



کسب تشنگی بیشتر نسبت به معارف قرآن با مطالعه مسئله محور/ بیان روشن قرآن برای همه

قرآن با همه ما با يك زبان سخن می‌گوید و برای ما هزاران رهنمود سیاسی، فلسفی، معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی دارد؛ چه اگر نداشته باشد متعلق به تمام عصرها نیست؛ اما برای فهم قرآن باید گفت «آب کم جو تشنگی آور به دست/ تا بجوشد آب از بالا و پست» و این تشنگی یعنی به دست آوردن مسئله.

قرآن با همه ما با يك زبان سخن می‌گوید و برای ما هزاران رهنمود سیاسی، فلسفی، معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی دارد؛ چه اگر نداشته باشد متعلق به تمام عصرها نیست؛ اما برای فهم قرآن باید گفت «آب کم جو تشنگی آور به دست/ تا بجوشد آب از بالا و پست» و این تشنگی یعنی به دست آوردن مسئله.

سیدیحیی یثربی، استاد برجسته فلسفه و عرفان اسلامی و مفسر قرآن، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی درباره زبان قرآن، ریشه‌های رویکرد تأویلی به قرآن، مشکلات روشی در استفاده و بهره‌مندی از قرآن و ضرورت مراجعه مسئله‌محور به قرآن پرداخت و با تأکید بر این‌که جای هیچ شک و تردیدی نیست که زبان قرآن زبانی مبین و روشن است، اظهار کرد: قرآن با تعبیر «يا ايها الناس» همه مردم را خطاب قرار می‌دهد، بنابراین مخاطب آن، همه مردم هستند و قرار است که همه مردم آن را بفهمند؛ حتی افراد بی‌سوادی که اکثریت قریب به اتفاق مخاطبان زمان نزول آن را تشکیل می‌دادند.

یثربی با اشاره به تأکید ده‌ها باره قرآن به مبین بودن خود، افزود: خداوند در همین قرآن می‌گوید که ما هیچ پیغمبری را نمی‌فرستیم، جز این‌که با زبان خود این مردم سخن بگوید، پس زبان قرآن زبان روشنی است و این‌که حتی احادیث و روایات معصومان (ع) را نیز باید با قرآن سنجید شاهد دیگری بر قابل فهم بودن زبان قرآن است.

ریشه‌های رویکرد تأویلی به قرآن

وی در مورد ریشه‌های رویکرد تأویل‌گرا که در مخدوش شدن این نگاه به قرآن نقش مهمی داشته است، عنوان کرد: پس از فتوحات اسلامی و گسترش اسلام در شرق و غرب، گرایشاتی هم از سوی هندوستان و نواحی افغانستان و خراسان که تحت تأثیر مکتب‌های هندی بودند و هم از سوی مسیحیت که در نواحی شام و فلسطین حاکم بود و حضور داشت، وارد قلمرو اسلام شد و موجبات پدید آمدن رویکرد تأویل‌گرا در میان مسلمانان را فراهم آورد.

همان گونه که نمی‌گوئیم که آن چیزی را که امروز طبیعت در اختیار ما قرار داده و ما تونسته‌ایم از طبیعت به دست آوریم و پیش از این نداشته‌ایم، توسط طبیعت پنهان شده بود، همان گونه که این را نمی‌گوئیم، بلکه معتقدیم که انسان 200 یا 400 سال پیش این استعداد را در خود ایجاد نکرده بود که بتواند از طبیعت آن بهره را ببرد باید بگوئیم که روش غلط و معرفت‌شناسی غلط است که ما را در بهره گرفتن از قرآن ناتوان می‌کند

یثربی در باب منشأ این نگاه‌ها در خود مسیحیت و ادیان و مکاتب هندی نیز گفت: کلیسا در مسیحیت این گونه جا انداخته بود که زبان انجیل زبان مبین نیست و بنابراین جز شورای کلیسا و پاپ هیچ کس حق تفسیر و فهم متون مقدس را ندارد که این انحصار فهم زمینه جدی‌ای بود در شکل‌گیری نگاه‌های تأویلی. این گرایش در هندوستان نیز وجود داشته است و در ادیان و مکتب‌های هندی، متون مقدس متونی نیستند که همه از آن سر در بیاورند؛ چرا که زبان آن زبان رمز و زبان ایما و اشاره است و زبان رمز زبانی است که در مقابل زبان مبین است؛ یعنی زبان مبین نیست.

این استاد برجسته فلسفه و عرفان اسلامی افزود: اگر هرگونه انحصاری در فهم قرآن ایجاد کنیم، همیشه طبقه‌ای وجود خواهد داشت که قرآن برای او حجت نخواهد شد و همیشه آن را از دست يك عده می‌گیریم؛ در حالی که قرآن می‌گوید من برای همه نازل شده‌ام و مخاطب من همه مردم هستند.

یثربی در ادامه عنوان کرد: گرایش‌های وارد شده از مسیحیت و ادیان هندی به اسلام، در اواسط قرن دوم هجری، در میان اهل سنت با عنوان صوفیه و در میان شیعه با عنوان شیعیان اسماعیلی و باطنی که پیروان اسماعیل پسر امام جعفر صادق (ع) بودند، ظهور کرد و پیاده شد.

وی این دو گروه را مسئول رواج تأویل و تعبیر قرآن در جهان اسلام، از قرن دوم به بعد دانست و گفت: برخی از این‌ها معتقدند که

قرآن هفت یا 70 یا 7 هزار بطن دارد. یا عرفا در جهان اسلامی معتقد شدند که قرآن حداقل چهار درجه دارد؛ «؛ظاهر» که برای توده مردم است، «؛باطن» که برای خواص است، «؛حد» که برای آخرین درجات خواص است و «؛مطلع» که فقط در انحصار اقطاب و شخصیت‌های بزرگ عرفانی است؛ در حالی که ما در بیان خود قرآن چنین چیزی را نمی‌بینیم و حتی اشاره‌ای هم به این مطلب نشده است.

این مفسر قرآن مقصود از تعبیر «؛تأویل متشابهات» را نیز که در قرآن به کار رفته است، به معنای انگیزه تکرار برخی مضامین و آیه‌ها دانست و گفت: منظور از «؛متشابه» مکررها هستند و در قرآن هر جا «؛متشابه» به کار رفته به معنای دو چیز شبیه به هم است و نه چیزی مبهم و رمزی. بر این اساس تأویل متشابه یعنی بیان چرایی تکرار برخی موارد مشابه که انگیزه آن را فقط خدا می‌داند و پای هیچ رمزی و هیچ امر رازآلودی در کار نیست.

قرآن با همه ما با يك زبان سخن می‌گوید

یثربی در مقابل این رویکرد از زبان واحد قرآن سخن گفت و اظهار کرد: قرآن با همه ما با يك زبان سخن می‌گوید، اما در این جا نکته‌ای هست و آن این که اگر يك نفر واقعاً پیغمبر باشد آن چه او به عنوان وحی بیان می‌کند، واقعیتی است همانند اکسیژن و آب و خاک. اما آیا زبان خاک و آب زبان رمز است؟ نه؛ خاک خاک است و آب آب است. اما چرا همین تلفن را ما در زمان صفویه نداشتیم؟ مگر نه این که تلفن هم از همین خاک و آب و عناصر گرفته شده است؟

اگر هر گونه انحصاری در فهم قرآن ایجاد کنیم همیشه طبقه‌ای وجود خواهد داشت که قرآن برای او حجت نخواهد شد و همیشه آن را از دست يك عده می‌گیریم؛ در حالی که قرآن می‌گوید من برای همه نازل شده‌ام و مخاطب من همه مردم هستند

وی در پاسخ اظهار کرد: واضح است که این بستگی به سطح فهم و درک بشر از آن آب و خاک دارد. در مورد وحی نیز همین‌گونه است؛ یعنی قرآن مبهم نیست یا مفاهیم آن نسبی نیست، بلکه بستگی به شعور بشر و این که ما با چه سؤالی به سراغ قرآن برویم. ما در بسیاری از کشورهای اسلامی معنی حقوق بشر را نمی‌دانیم و لذا سؤال حقوق بشر را نمی‌توانیم به قرآن عرضه کنیم و جواب آن را بگیریم. این به معنای این نیست که قرآن مبهم و ابهام‌آلود با ما سخن گفته است بلکه این ما هستیم که شعور آن را نداریم که جواب آن سؤال را بگیریم.

استاد برجسته فلسفه و عرفان اسلامی با اشاره به جاودانگی قرآن گفت: اکنون هزار و 400 سال از نزول قرآن می‌گذرد و زمانی می‌آید که 14 هزار سال از نزول آن گذشته و زمانی عمر آن به بیش از يك میلیون سال می‌رسد. ما معتقدیم که قرآن قرآن همه دوره‌هاست و هر دوره‌ای بسته به سؤال خود، جواب می‌گیرد؛ نه این که قرآن رمز است، بلکه ذهن ما باید تحول پیدا کند. انسان‌شناسی امروز دنیا با انسان‌شناسی 200 سال پیش فرق کرده است و ما می‌توانیم جواب‌های انسان‌شناسی امروز را از قرآن بگیریم، اما در زمان صفویه نمی‌توانستند؛ به دلیل این که سؤال امروز ما را نداشتند.

وی برای توضیح این مطلب مثالی بیان کرد و گفت: پیامبر(ص) نمی‌خواست کوچکترین امتیازی بر سایرین داشته باشد و حتی نمی‌خواست يك نفر جلوی بلند شود؛ این رمز نیست و همه می‌فهمند که این یعنی پیغمبر(ص) نمی‌خواست که دیگران جلوی پایش بلند شوند، اما این يك معنی برای عربستانی آن روزی دارد ولی از نظر فلسفه سیاسی دانشمندان امروز يك معنی دیگر دارد؛ این معنا که پیامبر(ص) می‌خواهد امتیاز و قدرت را از خود حذف کند و خود را قاطی مردم کند که ما نمی‌خواهیم مسئولان را قاطی مردم کنیم. ذهن امروزی ما از این حرکت روشن چیزی می‌فهمد که ذهن هزار سال پیش نمی‌فهمید و ممکن است ذهن 2 هزار سال بعد از این حرکت چیزی بفهمد که من نمی‌فهمم، اما این به معنای این نیست که حرکت مبهم است، بلکه من توانایی آن را ندارم که بفهمم.

وی با ارائه مثالی دیگر بیان کرد: مباحث سیاسی امروز می‌تواند این مطلب را که قرآن می‌گوید «؛شرك ستم بزرگی است» برای ما توضیح دهد. می‌دانیم که شرك به معنای باور به بیش از يك خدا است. در این جا ذهن قدیم با گناه دانستن شرك از این تعبیر قرآن این مطلب را می‌فهمد که شرك ظلم به خویشتن است، اما دنیای امروز می‌فهمد و می‌تواند این را توضیح دهد که در طول تاریخ تمام استثمارها و بهره‌کشی‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم ریشه در شرك دارد و این که با در دست گرفتن اختیارات و امورات دیگران، به استثمار و بهره‌کشی از سایرین پرداخته‌اند و این بهره‌کشی ریشه در چیزی جز شرك ندارد. اما این مطلب را ذهن ساده عربستانی نمی‌توانست دریابد بلکه ذهن محقق امروزی است که این مطلب را درک می‌کند که تقدیس قدرت، شرك موجب استثمار است.

خداوند در همین قرآن می‌گوید که ما هیچ پیغمبری را نمی‌فرستیم جز این که با زبان خود این مردم سخن بگوید، پس زبان قرآن زبان روشنی است و این که حتی احادیث و روایات معصومان(ع) را نیز باید با قرآن سنجید شاهد دیگری بر قابل فهم بودن زبان قرآن

قرآن مبهم نیست/ ذهن را باید تعالی بخشید

یثربی بیان کرد: بنابراین قرآن مبهم نیست و ذهن را باید تعالی بخشید. ما در قرآن رهنمودهایی داریم که برای تحویل گرفتن آن‌ها باید مسئله‌های مناسب خودش را داشته باشیم.

یثربی با اشاره به این که در معرفت‌شناسی قدیم ذهن حکیم با عین برابر دانسته می‌شود، گفت: این دید ناقص معنی این آیه قرآن را که می‌گوید «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید» (نحل/78) نمی‌تواند بفهمد؛ در حالی که ذهن اروپایی امروز اگر این قرآن را داشت معنای آن را خوب می‌فهمید. این مدرن‌ترین اکتشاف معرفت‌شناسی غرب است که ما بدون تکیه بر حواسمان نمی‌توانیم عقل و ذهن داشته باشیم.

این مفسر قرآن افزود: بنابراین در قرآن مدرن‌ترین رهنمودها برای معرفت‌شناسی انسان‌ها وجود دارد، اما به دلیل این که ذهن هزار سال پیش است، نمی‌توانیم این رهنمودها را متوجه شویم؛ نمی‌توانیم معنای این آیه را بفهمیم که خدا به پیغمبر می‌گوید که «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا؛ بگو پروردگارا بر دانشم بیفزای» (طه/114) اگر کسی به شما بگوید علمت کم است، اگر کسی بگوید ملاصدرا مطلبی را نفهمیده است، انکار کفر گفته است. اما در دنیای جدید می‌گویند که هر شاگرد باید یک قدم از استادش بالاتر رود، اما ما هنوز در این مرحله زندگی می‌کنیم که به قول یکی از بزرگان اگر شك کردیم که ملاصدرا اشتباه کرده است، باید استغفار کنیم.

وی با تأکید مجدد بر روشن بودن زبان قرآن گفت: این که درك درستی نداریم، خطای قرآن نیست. قرآن زبانش روشن است و با همین زبان روشن، همانند طبیعت خیلی چیزها را در اختیار ما گذاشته است و همان گونه که نمی‌گوییم که آن چیزی را که امروز طبیعت در اختیار ما قرار داده و ما تونسته‌ایم از طبیعت به دست آوریم و پیش از این نداشته‌ایم، توسط طبیعت پنهان شده بود، همان گونه که این را نمی‌گوییم، بلکه معتقدیم که انسان 200 یا 400 سال پیش این استعداد را در خود ایجاد نکرده بود که بتواند از طبیعت آن بهره را ببرد، باید بگوییم که روش غلط و معرفت‌شناسی غلط است که ما را در بهره گرفتن از قرآن ناتوان می‌کند.

یثربی در پایان با تأکید بر مراجعه مسئله‌محور به قرآن گفت: یک عده آمده‌اند و گفته‌اند به جنس و فصل ارسطو نجسب و بیا راه دیگری نشان دهیم و توانستند زبان طبیعت را بفهمند. قرآن هم برای ما هزاران رهنمود سیاسی، فلسفی، معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی را دارد؛ چه اگر نداشته باشد قرآن نیست و برای تمام عصرها نیست، اما اگر نمی‌توانیم از این رهنمودها بهره بگیریم نشان از اشکال ماست. همان گونه که گفته‌اند «اسلام به ذات خود ندارد عیبی/ هر عیب که هست از مسلمانی ماست» من هم می‌گویم که «قرآن در زبان خود ندارد ابهامی و هر عیب که هست در مراجعات ماست» بنابراین باید گفت «آب کم جو تشنگی آور به دست/ تا بجوشد آب از بالا و پست» و این تشنگی یعنی به دست آوردن مسئله.